

بازتاب اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در گلستان سعدی

علی محمد سهراب‌نژاد*

چکیده

در زندگی اجتماعی تعامل و ارتباط سبب گسترش اندیشه‌های اجتماعی می‌شود. تداوم زندگی اجتماعی در میان تحولات دنیای امروز جز با مدد از مفاهیم سرمایه اجتماعی و به‌ویژه اعتماد دشوار است. سرمایه‌های اجتماعی روابط اجتماعی را سرمایه‌ی یک جامعه می‌داند. این رویکرد دارای سه مؤلفه‌ی هنجار، اعتماد و مشارکت است. جریان توجه به مفاهیم سرمایه‌ی اجتماعی پیوسته تداوم داشته و مصادیق آن را در ذهن و زبان اندیشمندان گذشته و از جمله سعدی می‌توان یافت. سعدی به واسطه سفرهای متعدد و همراهی با اقشار مختلف با مبانی اندیشه‌های اجتماعی روزگار خویش آشنا و به آن‌ها پرداخته است. این مقاله برای آشنایی با دیدگاه اجتماعی سعدی، مؤلفه‌ی اعتماد را در کتاب گلستان به شیوه‌ی اسنادی همراه با تحلیل کمی و کیفی بررسی نموده است. بر این اساس بیشترین تأکید سعدی بعد از مؤلفه‌ی هنجارگرایی به اعتماد بوده و از بین شاخص‌های اعتماد، احساس امنیت بالاترین بسامد را داشته و آن را می‌توان با توجه به اوضاع قرن هفتم شاخص مورد توجه جامعه‌ی عصر سعدی دانست. بعد از آن اعتماد رسمی، غیررسمی و تعمیم یافته قرار گرفته‌اند. اعتماد در گلستان به گونه‌ی معناداری در باب‌های آن نمود دارد و بین عنوان و مفاهیم باب و مؤلفه‌ی اعتماد رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سعدی، گلستان، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، احساس امنیت

۱. مقدمه

«سرمایه‌ی اجتماعی» (Social Capital) یکی از رویکردهای جدید در حوزه‌ی جامعه‌شناسی است که امروزه بسیار مورد توجه صاحب‌نظران این رشته قرار گرفته و در کنار سایر انواع سرمایه مطرح و به آن پرداخته می‌شود و اندیشمندان این رشته معتقدند که این سرمایه چون مربوط به تعاملات و روابط اجتماعی و همزیستی افراد جامعه است، مبنای اساسی سایر سرمایه‌هاست. سرمایه‌ی اجتماعی هرچند مفهوم تازه‌ای است و در اواخر قرن بیستم مطرح شده؛ اما مصادیق آن در ذهن اندیشمندان اجتماعی گذشته وجود داشته و می‌توان شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن را در نظریات اجتماعی اندیشمندان گذشته مطالعه نمود. سعدی هم به عنوان یکی از این اندیشمندان از آن‌جا که با اقشار گوناگون جوامع مختلف در ارتباط بوده و در طی سفرهای متعدد از نحوه‌ی زندگی و تعامل افراد جوامع و فرهنگ و آداب و رسوم ملل مختلف آگاهی داشته به عنوان جامعه‌نگاری خبره به بیان نظرات خویش پیرامون مناسبات و روابط اجتماعی و همزیستی افراد در جوامع پرداخته و عمده نظرات خود را در دو کتاب بوستان (جامعه آرمانی سعدی) و گلستان (جامعه واقعی عصر خویش) ارائه نموده است. این پژوهش به دنبال ردپای اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در گلستان سعدی است و بر آن است که بررسی نماید: اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در گلستان چه بازتابی دارد؟ سیر نمود شاخص‌های اعتماد اجتماعی در گلستان چگونه است؟

هدف این پژوهش تبیین رویکرد اجتماعی سعدی در قالب رویکرد جامعه‌شناختی سرمایه‌ی اجتماعی است و آن را در قالب پژوهشی میان رشته‌ای به روش اسنادی و تلفیقی از دو روش کمی و کیفی بررسی می‌کند. این کار برای آشنایی با نظرات اجتماعی سعدی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان جامعه‌نگار و شاعران نام‌آشنا بسیار ضروری و با اهمیت است.

۲. اهداف تحقیق

۱.۲ هدف کلی

- بررسی میزان بسامد اعتماد اجتماعی در گلستان سعدی.

۲.۲ اهداف فرعی

- بررسی میزان بسامد احساس امنیت در گلستان سعدی.
- بررسی میزان بسامد اعتماد رسمی در گلستان سعدی.
- بررسی میزان بسامد اعتماد غیررسمی در گلستان سعدی.
- بررسی میزان بسامد اعتماد تعمیم یافته در گلستان سعدی

۳. ادبیات تحقیق

مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی در ادبیات فارسی پیشینه‌ی زیادی ندارد؛ زیرا این رویکرد جامعه‌شناسی اخیراً و به تدریج وارد حوزه‌ی مطالعات ادبی شده و اهل تحقیق براساس این نظریه به تجزیه و تحلیل متون ادبی پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال لیلا رکابدار در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در داستان‌نامه‌ی بهمنیاری» با طرح موضوع در ضرب‌المثل‌های کتاب، به بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند (رکابدار، ۱۳۹۰). ارسلان احمدی انارمرزی در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاید ناصر خسرو» را بررسی نموده (احمدی انار مرزی، ۱۳۹۰) و «محسن خلیلی» در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی» سرمایه و ضدسرمایه اجتماعی را در تاریخ بیهقی تحلیل و تفسیر کرده است (خلیلی، ۱۳۸۷). حمیدرضا مشایخی و ارسلان احمدی نیز در مقاله‌ی «نقد سرمایه اجتماعی و ضد سرمایه اجتماعی در شعر داروگ و آی آدم‌های نیما و سرود باران بدر شاکر سیاب» به مقایسه‌ی سرمایه اجتماعی در آثار فوق پرداخته‌اند (مشایخی و احمدی، ۱۳۹۰). علی نصر اصفهانی و همکاران نیز در مقاله‌ی «بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان» عوامل سرمایه اجتماعی و سازمانی در سازمان‌های خدماتی دولتی اصفهان را با تکیه بر آموزه‌های سعدی بررسی کرده‌اند (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین حسین بهروان و ندا بهروان در مقاله‌ی «تحلیل محتوای مفهوم سرمایه اجتماعی در احادیث امام رضا(ع)» به تبیین سرمایه اجتماعی در احادیث امام رضا پرداخته‌اند (بهروان، ۱۳۹۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهد جز مقاله‌ی آقای نصر اصفهانی و همکاران، پژوهشی در باره‌ی سرمایه اجتماعی در آثار سعدی انجام نشده است و این اثر نیز در حوزه‌ی پژوهش‌های

علوم اجتماعی است و با نگاهی محدود به شعر سعدی موضوع اختصاصی سرمایه اجتماعی را در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان بررسی نموده‌اند؛ اما در پژوهش حاضر کاری تازه، کامل و همه‌جانبه پیرامون بازتاب اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در گلستان سعدی ارائه گردیده است.

۴. مبانی نظری تحقیق

سرمایه‌ی اجتماعی سبب کاهش هزینه‌ها و بالا رفتن بهره‌وری می‌شود. این رویکرد اجتماعی نسبتاً نوین اولین بار توسط «لیدا. جی. هانیفان» (Lyda . j. Hanifan) به کار رفت (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۹: ۲۲۳)؛ اما پیشرفت مفهوم آن در دنیای امروز مرهون تلاش‌های نظریه‌پردازانی چون «جیمز کلمن» (James Coleman 1990)، «پیر بوردیو» (Pier Bourdiue 1986)، «فرانسیس فوکویاما» (Francis Fukuyama 2000) و «رابرت پاتنام» (Robert Putnam 1993) است (گراوند، ۱۳۹۶: ۷).

نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی معتقدند که هر جامعه، برای زندگی بهتر، سرمایه‌های مختلفی چون سرمایه‌ی مالی (Economic capital)، سرمایه‌ی فیزیکی (Physical Capital)، سرمایه‌ی انسانی (Human Capital)، سرمایه‌ی فرهنگی (culture capital) و سرمایه‌ی نمادین (Symbolic Capital) دارد. در کنار این‌ها سرمایه‌ی دیگری هست که اهمیت آن از بسیاری از سرمایه‌های فوق بیشتر است و آن «سرمایه‌ی اجتماعی» است که ناظر بر منافع موجود در تعاملات اجتماعی بوده و برای گسترش کنش‌ها و تحصیل اهداف کنشگران اجتماعی ضروری است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۲).

سرمایه‌ی اجتماعی برخلاف سایر اشکال سرمایه، به طور ذاتی در ساختار روابط کنشگران با هم و روابط بین آن‌ها حضور دارد و مانند سرمایه‌ی فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی کاملاً قابل معاوضه یا جانشینی نیست؛ بلکه ممکن است مختص فعالیت‌های معینی باشد (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۴۹).

تعاریف سرمایه‌ی اجتماعی، متنوع است. و همین امر باعث ایجاد اختلاف در تعاریف و تبیین مؤلفه‌های آن شده‌است. چنان‌که پیشتر اشاره شد، کلمن، بوردیو، فوکویاما و پاتنام در پیشرفت مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی سهم بسزایی داشته‌اند که در این میان آرای کلمن، بوردیو و فوکویاما بیشتر مبتنی بر منافع فردی سرمایه‌ی اجتماعی است؛ در حالی که دیدگاه پاتنام

برمنافع جمعی تکیه دارد (جاوید و ایزدی، ۱۳۸۹: ۴). به عبارتی پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را گسترش داد و آن را برای کارکردها در سطح جامعه منبع دانست و با این کار در واقع بر جنبه‌ی مثبت سرمایه اجتماعی تأکید نمود (متفکرآزاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

رابرت پاتنام سرشناس‌ترین مدافع و مبلغ سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام به معنی «ویژگی‌هایی از سازمان‌های اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که عمل و همکاری برای رسیدن به سود متقابل را تسهیل می‌کند» (پاتنام، ۱۳۸۹: ۹۵). به اعتقاد پاتنام سرمایه اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که در ارتباط و تعامل جمعی باشد و وقتی که انحصاری شد، دیگر سرمایه اجتماعی نیست. در زندگی اجتماعی انسان‌ها تعامل و ارتباط سبب گسترش اندیشه‌های اجتماعی می‌شود.

سرمایه اجتماعی به‌طور معمول یک کالای عمومی است. بر خلاف سرمایه‌ی متعارف که به‌طور معمول یک کالای خصوصی است. سرمایه اجتماعی مانند یکی از ویژگی‌های ساختار اجتماعی که فرد در آن قرار دارد، در مالکیت خصوصی هیچ یک از افرادی که از آن منتفع می‌شوند، نمی‌باشد (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۹۳).

چارچوب مفهومی این تحقیق، بر مبنای نظرات پاتنام است. سرمایه اجتماعی از دیدگاه صاحب‌نظران دارای دو بعد ساختاری و شناختی است. بعد ساختاری (نهادی)؛ به جنبه‌های عینی‌تر، ملموس‌تر و قابل رؤیت‌تر مفهوم سرمایه اجتماعی از قبیل نهادهای محلی، سازمان‌ها و شبکه‌های موجود در میان مردم برمی‌گردد و بیشتر حالت سخت افزاری دارد و شامل سازمان‌های رسمی و غیررسمی است و سبب ایجاد رابطه‌ی عمودی و افقی در جامعه می‌شود و بعد شناختی به جنبه‌های ذهنی و نرم افزاری سرمایه اجتماعی نظیر هنجارها، ارزش‌ها، باورها و معامله‌های متقابل و شاخص‌تر از همه اعتماد اجتماعی اشاره دارد (احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰: ۳۳) که در این نوشتار بیشتر بعد شناختی مدنظر است. سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام سه مؤلفه‌ی اصلی دارد که هرکدام دارای شاخص‌های خاص خود هستند: هنجار (norm) در اصطلاح عبارت است از دستورالعمل‌های عینی ارزش‌های اجتماعی که از طرف جامعه برای ایجاد نظم و پذیرش ارزش‌های اجتماعی تحقق یافته است (سیف‌اللهی، ۱۳۷۳: ۱۲۵). مشارکت (participation) فرایند سازمان‌یافته‌ای است که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی و با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص انجام می‌دهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۶).

اعتماد (trust) در لغت نامه‌ی دهخدا «کلمه‌ای عربی است در معانی مختلف آمده از جمله تکیه و اتکا نمودن بر کسی در حاجتی، سپردن و وا گذاشتن کار بر کسی و اعتماد کردن» (دهخدا، ۱۳۶۵: اعتماد).

در اصطلاح «اعتماد اجتماعی را می‌توان داشتن حس ظن به دیگران در روابط اجتماعی دانست که دارای دو طرف اعتماد کننده و اعتماد شونده (فرد یا گروه) است و تسهیل کننده‌ی روابط اجتماعی بوده و امکان سود یا زیان را در خود دارد» (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۱).

راه‌های کسب اعتماد در جامعه مبتنی بر دو شیوه است: یکی براساس تجربه و تعامل مداوم و باگذر زمان به دست می‌آید که به آن «اعتماد تجربی» (Experimental trust) می‌گویند. نوع دیگر از اعتماد با تعهد اخلاقی حاصل می‌شود که به آن «اعتماد اخلاقی» (Ethical trust) می‌گویند (احمدی انارمرزی، ۱۳۹۰: ۴۵).

اعتماد می‌تواند آرامش را بر فضای فردی و جمعی زندگی اجتماعی حاکم نماید. پاتنام در مورد راه‌های افزایش اعتماد می‌گوید:

وقتی معاملات اقتصادی و سیاسی در شبکه‌های متراکم تعامل اجتماعی صورت می‌پذیرد، انگیزه‌ی فرصت‌طلبی و قانون‌شکنی کاهش می‌یابد. پیوندهای اجتماعی متراکم، و دیگر راه‌های ارزشمند کسب شهرت را که از بنیان‌های ضروری اعتماد در جوامع پیچیده است، تسهیل می‌کند به همان دلیل که پول کارآمدتر از معامله تهاوتی است، جامعه‌ای که به عمل متقابل همگانی اتکا می‌کند نیز کارآمدتر از جامعه‌ی بی‌اعتماد است. اعتماد چرخ‌های حیات اجتماعی را روغن می‌زند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹-۹۸).

اعتماد زمانی به وجود می‌آید که افراد از یکدیگر انتظارات و خواسته‌هایی داشته باشند. اگر در جریان ارتباطات تقلب، حيله و دسیسه‌ای صورت گیرد، اعتمادی به وجود نخواهد آمد. بنابراین رعایت هنجارها و درست‌کاری شرط اساسی در ایجاد اعتماد است. رویکردهای متمایز برای ایجاد اعتماد در بازار را «مک کلنن» (Mc Clennen) در مقاله‌ی «اعتماد و مبادله‌ی بازاری» این گونه بیان می‌کند:

۱. شبکه‌های غیررسمی مراعات متقابل (compliance) که بر اساس دوستی، روابط خانوادگی یا خویشاوندی نزدیک و یا پیوندهای فرهنگی شکل می‌گیرد.

بازتاب اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ... ۴۷

۲. مجموعه‌ای رسمی از قواعد و مقررات حقوقی که نظارت بر حسن اجرای آن‌ها را شخص ثالثی بر عهده دارد. نظارت شخص ثالث مستلزم در دست داشتن قدرت تحقیقی، قضایی و اجرایی است.

۳. ضوابط اخلاقی غیر رسمی که پیش‌توانه‌شان تعهدی درونی برای پایبندی بدان ضوابط است (مک کلنن، ۱۳۸۹: ۲۷۸).

۱.۴ سطوح مؤلفه‌های اعتماد

با مطالعه‌ی نظرات صاحب‌نظران در بحث از سطوح مؤلفه‌ی اعتماد در کل به سه سطح در بررسی شاخص‌های این مؤلفه باور دارند. مرتضی زین‌آبادی این سه سطح را با شرح کامل آورده است که خلاصه‌ی آن چنین است:

۱.۱.۴ اعتماد در سطح خرد

اعتماد در سطح خرد حاصل ارتباط فرد در سه حوزه‌ی اعتماد به اعضای خانواده یا اعتماد عاطفی، اعتماد به دوستان و اعتماد به اقوام و خویشاوندان است. در این سطح روابط شخصی و فردی بسیار حائز اهمیت است. این ارتباط مربوط به سطح اطمینانی است که یک فرد نسبت به اعضای خانواده، دوستان و خویشان خود دارد. اعتماد در سطح خرد به سه سطح مربوط می‌شود:

۱.۱.۱.۴ اعتماد عاطفی (Emotional Trust)

این اعتماد به اطمینان و علائق مشترک با اعضای خانواده مربوط است. این اعتماد مبنا و شکل‌دهنده‌ی سایر روابط اعتمادی فرد با دیگران است.

۲.۱.۱.۴ اعتماد ارتباطی با خویشان (Related of Kinship Trust)

این اعتماد به سطح اطمینانی اطلاق می‌گردد که فرد به اقوام و خویشان خود دارد.

۳.۱.۱.۴ اعتماد ارتباطی با دوستان (Related of Friend Trust)

این اعتماد به سطح اطمینانی اطلاق می‌گردد که فرد با دوستان خویش دارد.

۲.۱.۴ سطح میانی

اعتماد در سطح عام و عمومی است و به سطح اطمینانی مربوط می‌شود که یک فرد نسبت به عموم مردم و آن‌هایی که نمی‌شناسد دارد؛ مثل اعتماد به سازمان‌ها و مؤسسات جامعه، مغازه‌داران، رانندگان، پلیس، رسانه‌ها، معلمان و غیره. این سطح از اعتماد تأثیر بسیار مهمی بر روابط و تعاملات اجتماعی داشته و توانایی تنظیم‌کنندگی ارتباطات و مناسبات اجتماعی را دارد.

۳.۱.۴ سطح کلان

این اعتماد به سطح اطمینان و مقبولیت مردم از نظام و سیستم حکومتی و فعالیت‌ها و اقدامات دولت مربوط می‌گردد؛ به عبارت دیگر این وضعیت مربوط به ارزیابی سیاسی ناشی از ارتباط مردم با نهاد دولت است.

باید توجه داشت که در همه‌ی جوامع و اجتماعات انسانی در هر زمان و دوره‌ای (سستی یا مدرن) این سه سطح اعتماد وجود دارد؛ اما در هر یک شدت و ضعف این سه سطح باهم متفاوت است؛ زیرا هر یک از این جوامع نوع خاصی از این اعتماد را طلب می‌کنند. در جوامع سنتی اعتماد غالب اعتماد خرد است؛ یعنی اعتماد به اعضای خانواده، خویشان و دوستان نزدیک؛ اما جوامع مدرن بر روابط و معاملات گسترده‌ی اجتماعی بنا شده‌اند و بیشتر بر اعتماد عام و عمومی تأکید می‌شود (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۷-۳۶).

۲.۴ شاخص‌های مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی

مؤلفه‌ی اعتماد مانند دیگر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی شاخص‌هایی دارد. در این پژوهش برای سنجش مؤلفه‌ی اعتماد از شاخص‌هایی استفاده شده که این شاخص‌ها بر اساس مقاله‌ی وحید قاسمی و همکارانش، عبارتند از:

۱.۲.۴ احساس امنیت

منظور از این نوع از اعتماد، احساس امنیت و آسودگی و آرامش مردم در خانه‌های خود و یا از قدم زدن در کوچه و خیابان‌های شهر در طول شبانه روز است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳۴).

۲.۲.۴ اعتماد رسمی

که در این نوع، سخن از اعتماد به نهادها و سازمان‌های درون جامعه؛ مانند آموزش و پرورش و سازمان‌های مختلف و نمایندگان حکومت (مدیران سازمان‌ها و نمایندگان مجلس) است.

۳.۲.۴ اعتماد غیررسمی

این نوع اعتماد در باره‌ی میزان اعتماد به اعضای خانواده، اقوام، خویشاوندان، دوستان، آشنایان، همسایگان، همکاران، همکلاسی‌ها و... بحث می‌کند.

۴.۲.۴ اعتماد تعمیم یافته

سخن از اعتماد به غریبه‌هاست و کسانی که آن‌ها را نمی‌شناسیم.

۳.۴ مؤلفه اعتماد اجتماعی در گلستان

دومین مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در گلستان سعدی اعتماد اجتماعی است. شاخص‌های این مؤلفه عبارتند از:

۱.۳.۴ احساس امنیت

یعنی شخص در هر زمانی از زندگی شخصی و اجتماعی خود آرامش و امنیت داشته باشد. امنیت و احساس آرامش در زندگی از ابتدایی‌ترین لوازم زندگی اجتماعی سالم از آغاز زندگی بوده است. گاهی امنیت به جنبه‌های زندگی شخصی و تضمین هویت فرد مربوط می‌شود و زمانی امنیت فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه دانسته می‌شود. امنیت در دو سطح خرد و کلان قابل بررسی است. در سطح خرد شامل فرد و گروه‌های اجتماعی است و در سطح کلان شامل دولت و نهادهای فرا فردی است. احساس امنیت عنصر اتصال دهنده‌ی اعضای جامعه به یکدیگر است. گسترش شعاع احساس امنیت گسترش شعاع اعتماد و به عبارتی گسترش شعاع سرمایه‌ی اجتماعی است. در گلستان سعدی ۳۲ بار به شاخص احساس امنیت اشاره رفته است. احساس امنیتی که سعدی از آن سخن می‌گوید هم مربوط به جسم و هم مربوط به جان و روان است. سعدی به امنیت به عنوان نیاز بشری نگرسته و به آن توجه ویژه داشته است. امنیت مورد نظر

سعدی یک امنیت پایدار است که می‌تواند به تقویت اعتماد بین شخصی و اعتماد عمومی و سیاسی کمک کند.

احساس امنیت مورد نظر شیخ در گلستان گاه احساس امنیتی امیدبخش و فراگیر برای نوع بشر است که همه انسان‌ها از آن بهره‌مند می‌شوند؛ به عبارتی ایجاد این نوع امنیت از توان بشر معمولی خارج است و خواست و اراده‌ی خداست. و اوست که خواست و اراده‌اش بر هر کس و چیزی چیره است. این نوع امنیت از نوع کلان امنیت به حساب می‌آید. بیان سعدی درباره‌ی روزی‌رسانی خداوند و دلسوزی و شفقت او نسبت به بندگانش احساس اطمینانی و آرامش خاطری به انسان می‌بخشد که نمونه و ماندنی برای آن در هیچ ابزار و بیانی دیده نمی‌شود:

ای کریمی که از خزانه غیب گبر و ترسا وظیفه خور داری
دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمن این نظر داری؟

(گلستان: ۴۹) (۱)

مصدیقی دیگر:

آن را که تو ره دهی کسی گم نکند وان را که تو گم کنی کسی رهبر نیست

(گلستان: ۱۸۸)

مصدیقی دیگر:

هر گاه که یکی از بندگان گنه کار پریشان روزگار دست انابت به امید اجابت به درگاه خداوند برآرد ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند باز اعراض فرماید بار دیگرش به تصریح و زاری بخواند حق سبحانه و تعالی فرماید: «یا ملائکتی قد استخیت من عبدی و لیس له غیری فقد غفرت له»؟ دعوتش را اجابت کردم و امیدش بر آوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم. (گلستان: ۵۰)

وقتی است خوش آن را که بود ذکر تو مونس ور خود بود اندر شکم حوت چو یونس

(گلستان: ۱۸۷)

سعدی بعد از بیان سخنان امنیت‌بخش درباره‌ی وجود خداوند بزرگ از پیامبر رحمت به عنوان کشتیبان امت در امواج متلاطم دریای وحشت‌آور دنیا و آخرت یاد می‌کند و براین باور مسلمانان تأکید می‌ورزد که امت محمد (ص) مورد حمایت خدا و رسولش هستند:

بازتاب اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ... ۵۱

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟

(گلستان: ۵۰)

گاهی احساس امنیتی که سعدی به آن اشاره دارد، به سبب وجود حاکمی عادل و قدرتمند ایجاد شده است که در پناه امنیت او، همه در آرامش و آسودگی هستند و آن سرزمین، الگوی امنیت و آرامش است:

بر تست پاس خاطر بیچارگان و شکر
بر ما و بر خدای جهان آفرین جزا
یا رب ز باد فتنه نگهدار خاک پارس
چندان که خاک را بود و باد را بقا

(گلستان: ۵۲)

مصدیقی دیگر:

هر که در سایه عنایت اوست
گنهدش طاعتست و دشمن، دوست

(گلستان: ۵۵)

مصدیقی دیگر:

هر چه رود بر سرم، چون تو پسندیدی رواست
بنده چه دعوی کند؟ حکم خداوند راست

(گلستان: ۷۶)

مصدیقی دیگر:

حسن میمندی را گفتند سلطان [محمود] چندین بنده صاحب جمال را که هر یک بدیع جهانی اند، چون است که با هیچ یک [از ایشان] میل و محبتی ندارد چنان که با ایاز [که] زیادت حسنی ندارد؟ گفت: هر چه در دل فرو آید در دیده نکو نماید:

هر که سلطان مرید او باشد
گر همه بد کند نکو باشد
و آن که راه پادشه بیندازد
کسش از خیل خانه ننوازد
هر که در سایه عنایت اوست
گنهدش طاعتست و دشمن، دوست

(گلستان: ۱۳۳)

یکی از نکاتی که سعدی با ظرافت خاصی به آن توجه نموده است، این مطلب است که امنیت ساخته‌ی خود انسان است همان طوری که بخش بزرگی از ناامنی هم که برای کسی

یا مجموعه‌ای ایجاد می‌شود، نتیجه‌ی اعمال خود آن‌هاست. این نظر را شیخ این گونه بیان می‌کند که:

آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است؟ (گلستان: ۷۰).

یکی از لوازم ایجاد احساس امنیت در سطح خرد در وجود انسان عدم وابستگی و نیاز به دیگران است. سعدی در حکایت زیر ضمن اشاره به عرف و سنتی دیرینه در ادای نذر بعد از برآورده شدن حاجت، به نحوه‌ی برخورد زاهدان گوشه نشین با پول‌های ملک اشاره دارد که آنان با عدم نیاز خود توانسته‌اند خود را به آرامش در دنیا و فرار از دغدغه‌های آن برسانند.

مطابق این سخن، پادشاهی را مهمی پیش آمد. گفت: اگر انجام این حالت به مراد من برآید چندین درم دهم زاهدان را چون حاجتش برآمد و تشویش خاطر [ش] برفت. وفای نذرش به وجود شرط لازم آمد یکی را از بندگان خاص کیسه‌ای درم داد تا صرف کند [بر زاهدان]. گویند غلامی عاقل و هوشیار بود. همه روز بگردید و شبانگه بازآمد و درم‌ها بوسه داد و پیش ملک نهاد و گفت: زاهدان را چندان که طلب کردم نیافتم. گفت: این چه حکایت است؟ آن چه من دانم در این ملک چهارصد زاهدست. گفت ای خداوند جهان آن که زاهد است، نمی‌ستاند و آن که می‌ستاند زاهد نیست... (گلستان ۱۰۲).

سعدی سرنوشت انسان را بسته به تقدیر او می‌داند و معتقد است اگر انسان عمرش در دنیا باقی باشد، نباید احساس ناامنی و خطر بکند و اگر هم غیر از این باشد؛ یعنی مرگش فرا رسیده باشد، هیچ قدرتی و سپری نمی‌تواند تیر مرگش را دفع کند، ضمن آن که لوازم ایجاد احساس امنیت در حکایات زیر نیز مورد توجه شیخ بوده و به عبارتی او هر چیزی را به جای خود نکو دانسته است:

همچنین درویشی در قاع بسیط گم شده بود. قوت و قوتش به آخر آمده و درمی چند [بر میان] داشت. بسیار بگردید و ره به جایی نبرد و عاقبت هلاک شد. طایفه‌ای برسیدند و درم‌ها دیدند [پیش رویش] نهاده و بر خاک نرفته:

گر همه زر جعفری دارد مرد بی توشه برنگیرد گام
در بیابان فقیر سوخته را شلغم پخته به که نقره خام

(گلستان: ۱۱۵)

مصداقی دیگر:

مرغ بریان به چشم مردم سیر
وآن که را دستگاه و قدرت نیست
کمتر از برگ تره بر خوان است
شلغم پخته مرغ بریان است

(گلستان: ۱۱۶)

مصداقی دیگر:

مُنعم به کوه و دشت و بیابان غریب نیست
و آن را که بر مراد جهان نیست دسترس
هر جا که رفت خیمه زد و خوابگاه ساخت
در زادبوم خویش غریب است و ناشناخت

(گلستان: ۱۲۰)

مصداقی دیگر:

چون مرد برفتاد ز جای و مقام خویش
شب هر توانگری به سرایی همی روند
دیگر چه غم خورد همه آفاق جای اوست
درویش هر کجا که شب آمد سرای اوست

(گلستان: ۱۲۲)

سعدی بر این باور است که عشق برای انسان چنان احساس امنیتی به وجود می‌آورد که تعلق جز آن در خود نمی‌بیند. این نوع، امنیتی در سطح خرد است:

پارسایی را دیدم به محبت شخصی گرفتار، نه طاق صبر و نه یارای گفتار. چندان که ملامت دیدی و غرامت [کشیدی] ترک نگفتی و گفتی:

کوته نکنم ز دامن دست
بعد از تو ملاذ و ملجای نیست
ور خود بزنی به تیغ تیزم
هم در تو گریزم، ار گریزم

(گلستان: ۱۳۴)

یکی از مسائلی را که سبب پریشانی و عدم احساس امنیت دانسته نگرانی تأمین معیشت افراد و خانواده‌های آنهاست. سعدی در حقیقت زندگی افرادی که برای تأمین حداقل معاش خود در مانده‌اند، زندگی توأم با تشویش و نگرانی و زمینه ساز آسیب‌های اجتماعی می‌داند. شیخ با ذکر این حقیقت افراد انسانی را به تلاش و کوشش در عرصه‌ی زندگی فرا می‌خواند و تمثیل زندگی مورچگان را بیان می‌کند:

شب پراگنده خُسبِ آن که پدید نبود وجهِ بامدادانش
مور گرد آورد به تابستان تا فراغت بود زمستانش

(گلستان: ۱۶۳)

مصدیقی دیگر:

فراغت با فاقه نیبوند و جمعیت در تنگدستی صورت نبندد؛ یکی تحرّمه عشا بسته و
دیگری منتظر عشا نشسته، هرگز این بدان کی ماند؟

خداوند مُکنت به حق مُشغَل پراگنده روزی، پراگنده دل

(گلستان: ۱۶۳)

۲.۳.۴ اعتماد رسمی

در این نوع از اعتماد سخن از اعتماد به نهادها و سازمان‌های درون جامعه است و از اعتماد به خداوند و پیامبر عظیم‌الشأن و اهل بیت او تا انبیا و اولیای الهی و اماکن مقدس و نهادهای حکومت را در بر می‌گیرد. در گلستان ۱۷ بار به این شاخص اشاره و تأکید شده است که دارای بیشترین بسامد در میان شاخص‌های اعتماد در گلستان سعدی بعد از شاخص احساس امنیت است. سعدی در گلستان علاوه بر خداوند، پیامبر، اولیا و اماکن مقدس، پادشاه به اعتماد مردم به فضات اشاره نموده است. وجوه شاخص اعتماد رسمی در گلستان عبارتند از:

۱.۲.۳.۴ اعتماد به خداوند

یکی از وجوه شاخص اعتماد رسمی، اعتماد و اعتقاد به وجود خداوند متعال است که در وجود انسان تعبیه شده است. در دل انسان مؤمن ایمان، اعتماد و اعتقاد به خداوند سبب می‌شود، در انجام امور خویش پیوسته به خداوند توکل نماید و خدا را برتر و بالاتر از هر قدرتی بداند و به لطف پیوسته‌ی او اعتماد داشته باشد. خداوند در این نگاه و باور برخلاف دیگر تکیه‌گاه‌ها در همه جا و در هر شرایطی مورد اعتماد است. سعدی در باب اوّل از یکی از ملوک که بیماری هایل داشته سخن گفته که حکما تنها درمان آن را زهره‌ی انسانی با صفاتی که فقط در پسر دهقانی یافت می‌شده، توصیف می‌کند. پدر و مادرش را با نعمت بی‌کران راضی کردند و قاضی فتوا داد که ریختن خون یکی از رعیت برای سلامت پادشاه رواست. وقتی که جلاد را آوردند، پسر سر سوی آسمان کرد و تبسم نمود.

ملک پرسید که در این حالت چه جای خندیدن است؟ گفت: ناز فرزندان بر پدر و مادر باشد و حکومت بر قاضی برند و داد از پادشاه خواهند. اکنون پدر و مادر به علت حطام دنیا مرا به خون در سپردند و قاضی [به کشتنم] فتوی داد و [پاد]شاه راضی شد به ریختن خونم. در این حال جز خدای پناه نیست (گلستان: ۷۶).

مصدیقی دیگر:

[یکی از پادشاهان پارسایی را دید، گفت: هیچت از ما یاد می آید؟] گفت: بلی، هر وقت که خدای را فراموش [می]کنم.

هر سو دود آن کش ز بر خویش براند و آن را که بخواند به در کس ندواند

(گلستان: ۹۲)

سعدی با توجه دادن به عظمت و بزرگی خداوند، بندگان را به ارتباط نزدیک با خدا فرامی‌خواند و فرصت ارتباط با خداوند را برای طلب رضایت خداوند لازم می‌داند و توصیه می‌کند که مردان خدا باید اعتماد خود را به خدای خویش با پیمودن راه خدا حفظ کنند:

سعدی ره کعبه‌ی رضا گیر ای مرد خدا، ره خدا گیر

(گلستان: ۱۰۸)

مصدیقی دیگر:

آن را که تو ره دهی کسی گم نکند و آن را که تو گم کنی کسی رهبر نیست

(گلستان: ۱۸۸)

خداوند می‌فرماید: «که من از رگ گردنتان به شما نزدیک ترم» (۲). این حد از قربت و عطوفت خداوندی سبب می‌شود تا بندگان درمانده‌ی از روزگار به گاه سختی و وحشت به درگاه او روی آورند و به اعتمادی که به فضل و کرم او دارند، از صمیم دل او را بخوانند. سعدی با علم به این حقایق به ما انسان‌ها هشدار می‌دهد که دست تضرع و دعا زمانی ارزشمند است که آن دست در زمان لازم بخشش و کرمی هم داشته باشد، نه این که وقت دعا بر خدای باشد وقت کرم در بغل بماند. در حکایتی در باب سوم گلستان از مالداري سخن می‌گوید که به بخل چندان معروف بود که حاتم طایی به کرم... خانه‌ی او را کس ندیدی درگشاده و سفره‌ی او [را] کس ندیدی سرگشاده، در دریای مغرب باد مخالف

بر کشتی او وزیدن می‌گیرد و غرق شدن او را فرا می‌گیرد و دست دعا برآورد و بی فایده فریاد خواندن گرفت، «فَاذَا رَكُبُوا فِي الْفَلَکِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (گلستان: ۱۱۸)

سعدی چونان عارفی آشنا به حقایق معنوی به این سخن بلند که قاعده‌ای فلسفی است، معتقد است که: «لامؤثر فی الوجود الا الله» و از عمق وجود معتقد است که خداوند تبارک و تعالی قادر مطلق است و باید در برابر خواست او تسلیم و به او اعتماد داشته باشی، این دایره محدود به شخص و طبقه‌ی خاصی نیست؛ بلکه در اندیشه‌ی سعدی، حاکمان بیش از کسان دیگر به خدا ترسی و فرمانبری از خداوند محتاجند و مکلفند:

دو کس دشمن ملک و دینند: پادشاه بی حلم و زاهد بی علم.

بر سر مُلک مباد آن مَلِک فرمانده که خدا را نبود بنده‌ی فرمانبردار

(گلستان: ۱۷۳)

مصدیقی دیگر:

ای خواجه ارسلاَن و آغوش فرماندهِ خود مکن فراموش

(گلستان: ۱۶۰)

۲.۲.۳.۴ اعتماد به پیامبر

از وجوه شاخص اعتماد رسمی اعتماد به پیامبر و اهل بیت اوست. سعدی همچون دیگر مسلمانان معتقد است کسی که به چنین پیامبر بزرگی اقتدا نماید و اعتماد کند، از گمراهی، عصیان و از حوادث بی‌شمار روزگار در امان خواهد بود. سعدی از پیامبران الهی به جز پیامبر اسلام از حضرت نوح نیز به عنوان نماد و الگویی برای اعتماد در زندگی بشری یاد می‌کند:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟

(گلستان: ۵۰)

۳.۲.۳.۴ اعتماد به اولیا و خاصان درگاه خداوند

این شکل اعتماد از زبان سعدی در وصف اولیا و مقربان، ناشی از روح خداجویی و خداطلبی آنان است. مردان حق که مورد اعتماد سعدی هستند، چنان احساس امیت و

بازتاب اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ... ۵۷

آرامش خاطری دارند که جز خدا به کسی توجهی ندارند و سر آنان بر آستان حضرت دوست است:

هر که سیمای راستان دارد سر خدمت بر آستان دارد

(گلستان: ۷۸)

۴.۲.۳.۴ اعتماد به اماکن مقدس

از دیگر وجوه شاخص اعتماد رسمی اعتماد به اماکن مقدس است. سعدی در ستایش کعبه به عنوان: بیت عتیق که ملجأ و مأوای دل‌های امیدوار است از درویشی حکایت می‌کند که بر آستان مقدس و مورد اعتماد کعبه سر نهاده است و با خدای خود راز و نیاز می‌کند:

درویشی را دیدم سر به آستان کعبه نهاده همی نالید که: یا غفور، یا رحیم! تو دانی که از
ظلوم جهول چه آید.

عذر تقصیر خدمت آوردم که ندارم به طاعت استظهار
عاصیان از گناه توبه کنند عارفان از عبادت استغفار

عابدان جزای طاعت خواهند و بازرگانان بهای بضاعت. من بنده امید آورده‌ام
نه طاعت، به در یوزه آمده‌ام نه به تجارت. اِصْنَع [بی] مَا أَنْتَ أَهْلُهُ.

گر کُشی ور جُرم بخشی روی و سر بر آستانم بنده را فرمان نباشد، هر چه فرمایی بر آنم
(گلستان: ۸۶)

۵.۲.۳.۴ اعتماد به پادشاه، حاکم و حکومت

از دیگر وجوه شاخص اعتماد رسمی اعتماد به حاکم است. حاکم مورد اعتماد سعدی کسی است که اقلیم پارس با وجود او در امان است و او را سایه‌ی خدا بر سر آن سامان می‌داند و مأمّن رضایتی چون سرزمین او یافت نمی‌شود:

اقلیم پارس را غم از آسیب دهر نیست تا بر سرش بود چو تویی سایه خدا
امروز کس نشان نهد در بسیط خاک مانند آستان درت مأمّن رضا

(گلستان: ۵۲)

از نمادهای هر حکومتی دستگاه قضا و قاضیان آن سرزمین است. سعدی در ماجرای جدال با مدعی به اعتماد به این قشر از ارکان حکومت اشاراتی دارد. او قاضی را دارای

صفتی چون عدالت، مصلحت جویی و قدرت تشخیص می‌داند و وظیفه‌ی مدعیان را اعتماد و رضایت به قضاوت آنان بیان می‌کند:

القصدُ مرافعه‌ی این سخن پیش قاضی بردیم و به حکومت [عدل] راضی شدیم تا حاکم مسلمانان مصلحتی بجوید و میان توانگران و درویشان فرقی بگوید (گلستان: ۱۶۷).
نمونه‌ی دیگر:

قاضی چون سخن بدین غایت رسانید و از حد قیاس ما اسب مبالغه درگذرانید، به مقتضای حکم قضا رضا دادیم و از ماضی درگذشتیم (گلستان: ۱۶۸)

۳.۳.۴ اعتماد غیررسمی

در اعتماد غیر رسمی در باره‌ی میزان اعتماد به اعضای خانواده، اقوام، خویشاوندان، دوستان، آشنایان، همسایگان، همکاران، همکلاسی‌ها و... بحث خواهد شد. این نوع از اعتماد بر مبنای آشنایی و ارتباط فامیلی و یا روابط نزدیک و دیرینه با دیگران شکل می‌گیرد و سبب تحکیم رابطه‌ی اجتماعی و ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی می‌گردد. بسامد این شاخص در گلستان سعدی ۹ مورد می‌باشد. اعتماد غیر رسمی در گلستان اعتمادی در سطح خرد است که ماحصل ارتباط فرد در سه حوزه اعتماد به اعضای خانواده یا اعتماد عاطفی، اعتماد به دوستان و اعتماد به اقوام و خویشاوندان است. از نظر نوع اعتماد این شاخص در حوزه‌ی اعتماد بین شخصی قرار می‌گیرد و چنین اعتمادی متضمن پایبندی رو در رو و چهره به چهره‌ی بین اشخاص است و شامل کسانی است که با هم آشنا هستند یا تصور یا اطلاعات اندکی نسبت به یکدیگر دارند.

سعدی معتقد است، اعتماد نتیجه تجارب گذشته است و اگر به کسی که عضو خانواده و یا از نزدیکان نیست، اعتماد می‌شود، این اعتماد نشانه‌ی تجربه و رفتاری است که به مرور از آن شخص دیده شده است. در دیباچه‌ی گلستان سعدی در باره‌ی زمان و سبب تصنیف گلستان می‌گوید:

آن گاه که به اتفاق دوستش از تفرج شبانه در فصل ربیع از بوستان برمی‌گردند.
دوستش دامنی گل را فراهم آورده بود و آهنگ رجوع داشت، به او می‌گوید:

به چه کار آیدت ز گل طبقی؟ از گلستان من بیرورقی
گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد

بازتاب اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ... ۵۹

حالی که من این بگفتم دامن گل بریخت و در دامنم آویخت که: «الکریم اذا وعد وفی» و فصلی در همان روز اتفاق بیاض افتاد در ... (گلستان: ۵۴)

سعدی معتقد است، انسان وقتی که سعادت یار و یار موافق در کنار و مورد اعتمادش باشد، باید بر کوس فرمانروایی خویش بزند.

همچنین نجم سعادتش در ترقی بود تا به اوج ارادت برسد [و] مقرب حضرت سلطان و مشارالیه و مُعْتَمَدُ عَلَیْهِ گشت. بر سلامتِ حالش شادمانی کردم (گلستان: ۷۱).
حکایتی دیگر:

هارون الرشید را چون مُلکِ مصر مسلم شد گفت: بخلاف آن طاغی که به غرور مُلکِ مصر دعوی خدایی کرد، نبخشم این مُلک را مگر به خسیس‌ترین کسی از بندگان. سیاهی داشت خَصِیب نام، مُلکِ مصر به وی ارزانی داشت (گلستان: ۸۴).

در زندگی اجتماعی انسان‌ها تعامل و ارتباط سبب گسترش اندیشه‌های اجتماعی می‌شود. سعدی در زندگی اجتماعی با دوستان، آشنایان و افراد مرتبط، به حفظ دوستی و ارتباط با آنان تأکید می‌نماید و اگر هم خطایی از دوستان راست‌کردار سرزد به چشم پوشی از آن توصیه دارد. او در عین حال آن دوستی که به دروغ‌کرداری مشهور باشد، شایسته‌ی دوستی نمی‌داند:

یکی را که عادت بود راستی خطائی رود، در گذارند از او
وگر نامور شد به قول دروغ دگر راست باور ندارند از او

(گلستان: ۱۸۶)

۴.۳.۴ اعتماد تعمیم یافته

سخن از اعتماد به غریبه‌ها و افرادی است که نمی‌شناسیم. تا اعتماد نباشد سرمایه‌ی اجتماعی شکل نمی‌گیرد؛ بنابراین اعتماد پایگاه اساسی سرمایه‌ی اجتماعی است. اعتماد زمانی جالب توجه است که ما به کسی که نمی‌شناسیم و باکسی که پیشینه‌ی ارتباطی نداشته‌ایم، اعتماد کنیم. بسامد این شاخص در گلستان سعدی ۴ مورد است. این شاخص در گلستان از آن جهت قابل توجه است که این نوع اعتماد، اعتمادی در سطح عام و عمومی است و به سطح اطمینانی مربوط می‌شود که یک فرد نسبت به عموم مردم و آن‌هایی که نمی‌شناسد، دارد.

در برداشت از کلام سعدی می‌توان گفت که او باور دارد که اعتماد تعمیم یافته، زمینه‌ساز دیگر اعتمادها می‌تواند باشد و این اعتمادی که امروز بین دوستان و رفقای همکار و هم صنف و مرتبط و غیر مرتبط ایجاد شده یک نقطه‌ی شروعی داشته و به مرور مؤکد گشته‌است. این شروع و تداوم ارتباط با دیگرانی که روزی آن‌ها را نمی‌شناخته، سبب ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی برای یک جمع یا یک گروه می‌شود و سعدی از این نظر به اعتماد به آنان که نمی‌شناسیم، توصیه می‌کند:

دو بامداد اگر آید کسی به خدمت شاه سیم هرآینه در وی کند به لطف نگاه

(گلستان: ۷۸)

مصداقی دیگر:

تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت. خواستم تا موافقت کنم موافقت نکردند. گفتم: از کرم و اخلاق بزرگان بدیع است روی از مصاحبت مسکینان تافتن و فایده دریغ داشتن که من در نفس خود این قدر سرعت و قوت می‌شناسم که در خدمت درویشان یار شاطر باشم نه بار خاطر.

لَمْ رَاكِبَ الْمَوَاشِي اِنْ اَسْعَى لَكُمْ حَامِلَ الْغَوَاشِي

یکی از آن میان گفت: از این سخن که شنیدی دل تنگ مدار که در این روزها دزدی به صورت صالحی برآمد و خود را در سلک صحبت ما منتظم کرد.

[چه داند مردم که در جامه کیست نویسنده داند که در نامه چیست]

و ازان جا که سلامت حال درویشان است گمان فضولش نبردند و به یاری قبولش کردند (گلستان: ۸-۸۷).

گاهی هم اعتماد به بیگانه و ناشناس در سخن سعدی بهتر و پسندیده تر از اعتماد به نزدیکان جلوه داده می‌شود؛ البته بیگانه‌ای که در اندیشه‌ی سعدی هزار بار به مرام و عقیده‌ی انسان آشناترست و سعدی به این نوع از اعتماد توجه داشته و افراد جامعه را به چنین اعتمادی تشویق نموده است:

هزار خویش که بیگانه از خدا باشد فدای یک تن بیگانه کاشنا باشد

(گلستان: ۱۰۶)

۵. نتیجه‌گیری

نمود اعتماد در ابواب گلستان در این پژوهش در قالب جدول شماره ۱۴ و بسامد شاخص‌های اعتماد د گلستان در جدول شماره ۱۵ مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱. میزان نمود اعتماد در ابواب مختلف گلستان

ردیف	نام باب	تعداد	درصد	ردیف	نام باب	تعداد	درصد	
۱	دیباچه	۱۰	۱۶/۳۹	۷	در ضعف و پیری	۰	۰	
۲	در سیرت پادشاهان	۱۲	۱۹/۶۷	۸	در تأثیر تربیت	۸	۱۳/۱۱	
۳	در اخلاق درویشان	۷	۱۱/۴۸	۹	در آداب صحبت	۱۱	۱۸/۰۳	
۴	در فضیلت قناعت	۶	۹/۸۴	۱۰	-	-	-	
۵	در فواید خاموشی	۱	۱/۶۴	۱۱	-	-	-	
۶	در عشق و جوانی	۶	۹/۸۴	جمع			۶۱	۱۰۰٪

براساس جدول شماره ۱۴ جمعاً تعداد ۶۱ مورد از مصادیق مؤلفه‌ی اعتماد در کتاب گلستان شناسایی گردید. بیشترین موارد اعتماد به ترتیب متعلق به باب اول با ۱۲ مورد و (۱۹/۶۷)، باب هشتم با ۱۱ مورد و (۱۸/۰۳) و دیباچه با ۱۰ مورد و (۱۶/۳۹) می‌باشد و مابقی ابواب گلستان کمتر از ۱۰ مورد مصداق اعتماد در هر باب مشاهده شده است. کم‌ترین درصد (۰ درصد) متعلق به باب ششم است. پراکندگی موارد اشاره به اعتماد در ابواب مختلف گلستان بسیار ناموزون است تا جایی که اختلاف میان درصدها به بیش از ۱۹/۶۷ درصد می‌رسد. به این ترتیب که بیشترین تعداد موارد (۱۹/۶۷٪) متعلق به باب اول کتاب گلستان و کم‌ترین تعداد (درصد) مربوط به باب ششم است.

عناوین ابواب و مباحث مطرح در آن‌ها نشان می‌دهد که سیر گرایش به اعتماد در گلستان طبیعی است؛ زیرا موضوع ابواب مربوط به نعت خداوند، رسول اکرم، حاکمان و نیز راجع به سبب نظم کتاب، روابط انسانی و عشق و عاطفه می‌باشد که این مفاهیم طلب اعتماد می‌کند؛ برعکس این سه باب، در ابوابی که کمتر اعتماد نمود یافته این هماهنگی بین عنوان و مفاهیم مورد نظر کاملاً مشهود است. مثلاً باب ششم در بحث از ضعف و پیری تناسب موضوعی با موضوع اعتماد خیلی کم است. کهنسالی و ضعف امری طبیعی، فردی و درونی است؛ بنابراین با آن وضعیت از اعتماد کمتر سخن می‌رود یا ابواب چهارم (در فواید خاموشی) و سوم (در فضیلت قناعت) این نظر مصداق دارد و نهایت این که در چهار باب، شامل: دیباچه ۱۰ مورد (۱۶/۳۹)، باب اول «در سیرت پادشاهان» ۱۲ مورد

(۱۹/۶۷). باب هشتم «در آداب صحبت» ۱۱ مورد (۱۸/۰۳). جمعاً بیش از ۵۴/۰۹ درصد نمود اعتماد اجتماعی گلستان را در خود دارند. بنابراین هماهنگی و تناسب مناسبی بین عناوین و محتوای ابواب با نمود اعتماد وجود دارد. درباره‌ی نمود انواع شاخص‌های اعتماد در گلستان می‌توان گفت که بازتاب مؤلفه‌ی اعتماد و شاخص‌های این مؤلفه در گلستان مثبت است.

جدول ۲. بسامد شاخص‌های اعتماد در گلستان

ردیف	شاخص	بسامد	درصد
۱	احساس امنیت	۳۲	۵۲/۴۶
۲	اعتماد رسمی	۱۶	۲۶/۳۳
۳	اعتماد غیر رسمی	۹	۱۴/۷۵
۴	اعتماد تعمیم یافته	۴	۶/۵۶
	جمع	۶۱	۱۰۰

جدول بسامد شاخص‌های اعتماد در گلستان نشان می‌دهد که احساس امنیت با ۳۲ مورد (۵۲/۴۶) بالاترین بسامد را داشته و بعد از آن اعتماد رسمی با ۱۶ مورد (۲۶/۳۳) در جایگاه دوم قرار دارد. اعتماد غیر رسمی با ۹ مورد (۱۴/۷۵) و اعتماد تعمیم یافته با ۴ مورد (۶/۵۶) به ترتیب بسامدی قرار گرفته‌اند. همچنین نشان می‌دهد، اختلاف میان درصدها به بیش از ۴۵٪ می‌رسد. احساس امنیت با ۳۲ مورد (۵۲/۴۶) بالاترین و اعتماد تعمیم یافته با ۴ مورد و (۶/۵۶) پایین‌ترین بسامد را دارد.

دو شاخص احساس امنیت و اعتماد رسمی بیش از ۷۸٪ کل نمود شاخص‌های اعتماد را در کتاب گلستان داشته‌اند. در گلستان سعدی احساس امنیت، اساسی‌ترین شاخصه‌ی اعتماد است. این توجه سعدی در کتاب گلستان به یقین برگرفته از فضای ناامن جامعه‌ی واقعی اوست. امنیت در جامعه‌ی عصر سعدی یک آرزو و آرمان بوده و قرار گرفتن آن در محور شاخص‌های جامعه واقعی او کاملاً طبیعی است. از نگاه او اعتماد رسمی بعد از احساس امنیت در جایگاه قابل توجهی است؛ دلیل این جایگاه بی ارتباط با شاخص احساس امنیت نیست. اعتماد سیاسی که مبنای این شاخص است، اعتماد به نهادها و دستگاه‌هایی است که مستقیم با قدرت سروکار دارند و اعتمادی همه‌جانبه و فراگیر میان اعضای جامعه و حکومت مد نظر است. در گلستان سخن از اعتمادی در سطح کلان مبتنی بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی است که در بستر تاریخ به وجود آمده‌اند. سعدی

در گلستان علاوه بر خداوند، پیامبر، اولیا و اماکن مقدس به اعتماد به پادشاه و صاحبان قدرت توجه نموده است و این توجهی از سر آگاهی برای حفظ ارکان و مرزهای کشور و سامان دادن به اوضاع آشفته‌ی مردم بوده است؛ بنابراین سعدی در گلستان برای حفظ روابط اجتماعی بین حاکمیت و مردم تکیه‌ی بیشتری بر این دو شاخص داشته و بر آن‌ها تأکید نموده است.

در مرحله‌ی بعد شاخص اعتماد غیر رسمی است که سعدی از زمینه‌های ایجاد آن در جامعه علاوه بر ارتباط‌های فامیلی از وجود عشق و علاقه سخن می‌گوید چون عشق بر ارزش و اعتبار دوستان می‌افزاید و جایگاه معشوق در نزد عاشق بسی فراتر از روابط نسبی و سببی است. سعدی در زندگی اجتماعی با دوستان، آشنایان و افراد مرتبط به حفظ دوستی و ارتباط با آنان تأکید می‌نماید و اگر هم خطایی از دوستان و معاشران سر زد به چشم‌پوشی از آن توصیه دارد. سعدی معتقد است، اعتماد نتیجه تجارب گذشته است و اگر به غیر اعتماد می‌شود، این اعتماد نشانه‌ی تجربه و رفتاری است که به مرور از آن شخص دیده شده است. اگر نمود این شاخص در اعتماد اجتماعی گلستان اندک است باید به این نکته توجه داشت که سعدی در گلستان از جامعه‌ای واقعی سخن می‌گوید که در آن اعتماد به نزدیکان و دوستان شاید امری بدیهی باشد و ضرورتی برای سخن گفتن از آن احساس نکرده است چون مفاهیم و مضامین مهمتری برای بیان در نظر داشته است.

اعتماد تعمیم‌یافته آخرین شاخص منعکس شده در گلستان است. این شاخص در گلستان از آن جهت قابل توجه است که این نوع اعتماد، اعتمادی در سطح عام و عمومی است. از نظر سعدی اعتماد تعمیم یافته، زمینه ساز دیگر اعتمادها می‌تواند باشد. او اعتماد به بیگانه و ناشناس را در مواقعی بهتر و پسندیده‌تر از اعتماد به نزدیکان جلوه داده؛ البته بیگانه‌ای که در اندیشه‌ی سعدی هزار بار به مرام و عقیده‌ی انسان آشناترست و سعدی به این نوع از اعتماد توجه داشته و افراد جامعه را به چنین اعتمادی تشویق نموده است؛ اما فضای سیاسی و اجتماعی واقعی عصر سعدی مجالی برای حضور این نوع اعتماد در جامعه ایجاد نکرده است.

نتایج بررسی مؤلفه‌ی اعتماد در کتاب گلستان نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی در سطح خرد یعنی در قالب روابط فردی و شبکه‌ای بین افراد تعریف می‌شود و بر این اساس سرمایه‌ی اجتماعی در گلستان موضوعاتی چون شدت کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه‌ها، احساس تعهد به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل می‌شود و به عنوان یک

حس تعلق و پیوستگی اجتماعی مطرح است. بر این اساس در زندگی اجتماعی انسان‌ها تعامل و ارتباط سبب گسترش اندیشه‌های اجتماعی نیز می‌شود.

بررسی بازتاب این رویکرد در گلستان نشان می‌دهد که سعدی از بین مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد، مشارکت و هنجارگرایی) بعد از هنجارگرایی بیشترین توجه را به اعتماد اجتماعی با ۶۱ مورد اشاره داشته و آن را یکی از ضروری‌ترین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند. بازتاب اعتماد در گلستان به گونه‌ی معناداری در باب‌های آن نمود پیدا کرده است و بین عنوان و مفاهیم باب و مؤلفه‌ی اعتماد رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

در دیباچه شیخ به دنبال جلب اعتماد مخاطب و برقراری ارتباط است. در باب اول سعدی از سیرت پادشاهان سخن گفته و آن گونه که می‌دانیم پادشاه یک پای ثابت اندیشه‌ی ایرانی و به خصوص ایران عصر سعدی است و شیخ هم باب اول کتاب خود را به وصف سیرت این طبقه اختصاص داده و توجه به روابط حاکمیت با مردم برای او اهمیت داشته‌است. در باب هشتم سخن از آداب صحبت است. صحبت عموماً در جمع صورت می‌گیرد و لازمه‌ی تأثیر سخن ایجاد اعتماد است. در این جا یک کنش متقابل اجتماعی جریان دارد که بعضاً به تعامل منجر می‌شود و تعامل حرف اصلی سرمایه‌ی اجتماعی است. بقیه ابواب گلستان که با توجه به عنوان آن‌ها ارتباط چندانی با مسائل اجتماعی ندارند، کمتر از ۱۰ مورد مصداق را دارند و دلیل آن ماهیت مفهومی و عنوانی این باب‌هاست که بیشتر بر امور فردی و درونی تکیه دارند؛ بنابراین مسائل اجتماعی و اعتماد در آن‌ها کمتر بازتاب دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. شواهد حکایات و ایبات مندرج در این مقاله بر اساس کتاب گلستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم انتخاب شده است.
۲. وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (ق:۱۶)

کتاب‌نامه

قرآن کریم

بازتاب اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ... ۶۵

احمدی انارمرزی، ارسلان (۱۳۹۰)، «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی و قصاید ناصر خسرو»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، استاد راهنما مرتضی محسنی، دانشگاه بابلسر.
ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.

امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه نمایه پژوهشی، سال پنجم، شماره ۱۸.

بوردیو، پیر (۱۳۸۹)، «شکل‌های سرمایه»، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه، چاپ سوم.

بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه، چاپ سوم.
بهروان، حسین و ندا بهروان (۱۳۹۲)، «تحلیل محتوای مفهوم سرمایه اجتماعی در احادیث امام رضا (ع)»، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره‌ی ششم، شماره ۳، صص ۴۹-۱۱۵.

پاتنام، روبرت (۱۳۹۲)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، جامعه‌شناسان.
پاتنام، روبرت (۱۳۸۴)، «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی»، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، شیرازه، چاپ سوم.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی، تهران، شیرازه، چاپ سوم.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، شیرازه.

تونیکس، فران (۱۳۸۷) «اعتماد سرمایه اجتماعی و اقتصاد»، اعتماد و سرمایه اجتماعی، پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی، صص ۱۲۰-۹۳.

جاوید، محمدجواد و اصغر ایزدی جیران (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

حسین زاده، علی حسین، و همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی عاطفی و پیوند قوی بر سلامت عمومی»، فصلنامه‌ی تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ششم، شماره ۱۷، صص ۶۴-۱۴۳.

خلیلی، محسن (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی»، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهل و یکم، شماره ۱۶۰، صص ۷۳-۱۵۱.

خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۹)، «سرمایه اجتماعی و آموزش سرمایه‌زا»، سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رکابداری، لیلا (۱۳۹۰) بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در داستان نامه بهمنیاری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محسنی، مرتضی، بابلسر، دانشگاه مازندران.

زین آبادی، مرتضی (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن»، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۱۶، صص ۶۶-۳۳.

سیف‌الهی، سیف‌الله (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی (اصول، مبانی و مسائل اجتماعی)، مشهد: مرن‌دیز. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان‌نظم (بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن)، مترجم: غلامعباس توسلی، تهران، جامعه‌ی ایرانیان.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۹) «سرمایه‌ی اجتماعی و جامعه مدنی»، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، شیرازه، چاپ سوم.

فیروزآبادی، سیداحمد و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵)، «سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی در کلان شهر تهران»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۲۲۴-۱۹۷.

قاسمی، وحید و همکاران (۱۳۸۵)، «سطح بندی سرمایه‌ی اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۴۸-۲۲۵.

قاسمی، وحید و همکاران (۱۳۸۹)، «سرمایه‌ی اجتماعی و جامعه مدنی» سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، شیرازه، چاپ سوم.

قرآن کریم (۱۳۷۵) ترجمه‌ی: مؤسسه الهادی زیر نظر آیت الله مشکینی، قم، الهادی.

کلمن، جیمز (۱۳۸۴)، «نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد سرمایه‌ی انسانی»، سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه، چاپ سوم.

گراوند، علی و همکاران (۱۳۹۶) «بازتاب مشارکت اجتماعی در بوستان» فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صص ۳۰-۱.

گروسی، سعیده و همکاران (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره ۲، صص ۳۹-۲۶.

متفکرآزاد، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران» دوفصلنامه‌ی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال سوم، شماره اول، صص ۶۳-۱۳۹.

مشایخی، حمیدرضا و ارسلان احمدی انارمرزی (۱۳۹۰)، «نقد سرمایه‌ی اجتماعی و ضدسرمایه‌ی اجتماعی در شعر داروگ و آی آدم‌های نیما و سرود باران بدر شاکر سیاب»، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲، صص ۶۶-۱۳۹.

موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۹۲-۶۷.

بازتاب اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ... ۶۷

نصراصفهانی، علی و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان (بارویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی)» مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، شماره ۱ (پیاپی ۴۱)

نصر اصفهانی، علی و همکاران (۱۳۸۸)، «بررسی تحمّل و مدارا به عنوان یکی از اجزای سرمایه اجتماعی با تکیه بر دیدگاه سعدی» نشریه‌ی مطالعات ملی، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۳۲-۱۱۷.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۳)، گلستان سعدی، تهران، خوارزمی، چاپ سوم